**٧٢ - عُلماء راشدین [[1]](#footnote-1)**

و نیز از حضرت بهاءالله قوله الاصفی الاجلی : مقصود از علماء در این موارد که ذکر شده نفوسی هستند که خود را در ظاهر به لباس علم میآرایند و در باطن از آن محروم در ذکر این مقام در لوح حضرت سلطان چند فقره از فقرات کلمات مکنونه که به اسم صحیفۀ فاطمیه صلوات الله علیها از قلم ابهی ظاهر ذکر میشود ای بیو‌فایان چرا در ظاهر دعوی شبانی کنید و در باطن ذئب اغنام من شده‌اید مَثَل شما مثل ستارۀ قبل از صبح است که در ظاهر درّی و روشن است و در باطن سبب اضلال و هلاک کاروانهای مدینه و دیار من است و همچنین میفرماید ای بظاهر آراسته و بباطن کاسته مَثَل تو مثل آب تلخ صافی است که کمال لطافت و صفا از آن در ظاهر مشاهده شود و چون بدست صرّاف ذائقه احدیه افتد قطرۀ از آن را قبول نفرماید تجلّی آفتاب در تراب و مرآت هر دو موجود ولکن از فرقدان تا ارض فرق دان بلکه فرق بی‌منتهی در میان ... اما علمائی که فی الحقیقه به طراز علم و اخلاق مزیّن‌اند ایشان به مثابۀ رأس‌اند از برای هیکل عالم و مانند بصراند از برای امم لازال هدایت عباد بآن نفوس مقدّسه بوده و هست نسأل اللّه ان یوفّقهم علی ما یحبّ و یرضی انّه هو مولی الوری و ربّ الآخرة و الاولی .

و قوله الاعلی : اِعلم انَّ العالمَ من اعترفَ بظهوری و شربَ من بحر علمی و طارَ فی هواء حبّی و نبذ ما سِوائی و اخذما نزل من ملکوت بیانی البدیع انه بمنزلة البصر للبشر و روح الحیوان لجسد الامکان تعالی الرّحمن الّذی عرفه و اقامه علی خدمةِ امره العظیم یصلّی علیه الملأ الاعلی و اهل سرادق الکبریاء الّذین شربوا رحیقی المختوم باسمی القوّی القدیر .

و از حضرت عبدالبهاء در رسالۀ سیاسیّه است : و اما دانایان پاک دل پاک جان‌اند ، هر یک رحمت یزدان‌اند و موهبت رحمن شمع هدایت‌اند و سراج عنایت بارقۀ حقیقت‌اند و جافظ شریعت میزان عدالت‌اند و سلطان امانت صبح صادق‌اند و نخل باسق فجر لامع‌اند و نجم ساطع ینبوع عرفانند و معین ماء عذب حیوان ، مربّی نفوس‌اند و مبشر قلوب ، هادی امم‌اند و منادی حق بین بنی آدم آیت کبری هستند ورایت علیاء ... و ما دون ایشان جسم بی‌جان‌اند و نقش حیطان و اَضلّه اللّهُ علی علمٍ منصوص قرآن .

و در رساله مدنیۀ آن حضرت است قوله العزیز : علماء سراج هدایت‌اند بین ملأ عالم و نجوم سعادت‌اند مشرق و لائح از افق طوائف و امم ، سلسبیل حیات‌اند انفس میته جهل و نادانی را و مَعین صافی کمالات‌اند تشنگان بادیه نقص و گمراهی را ، مطلع آیات توحیداند و مطّلع بر حقایق قرآن مجید طبیب حاذق‌اند جسم معلول عالم را و تریاق فاروق اعظم‌اند هیئت مسمومۀ بنی آدم را حصن‌اند مدینه عالم انسانیت را و کهف منیع‌اند مضطرّین و مضطربین جهالت را .

و در آن رساله در بیان علماء روحانی حقیقی که مرجع انامند قوله الاجلی : اولا صفت کمالیه علم و فضل است و جامعیت این مقام اعظم اقوم آگاهی کما هی بر غوامض مسائل الهی و حقایق حکم سیاسیّه شرعیه قرآنی و مضامین سائر کتب سماوی و وقوف بر ضوابط و روابط ترقی و تمدن ملّت باهره و اطّلاع بر قوانین و اصول و رسوم و احوال و اطوار و قواء مادی و ادبی عالم سیاسی ملل سائره جامعیت فنون نافعه عصریّه و تتبّع در کتب تاریخیّۀ اعصار سالفه ملل و دول است چه که اگر شخص عالم وقوف بر مضامین کتب مقدّسه و جامعیّت حکمت الهیّۀ طبیعیه و علوم شرعیّه و فنون سیاسیّه و معارف عصریّه اطلاع بر وقایع عظیمه قرون سالفه ملل و دول نداشته باشد عند اللّزوم عاجز ماند و این منافی صفت جامعیت است .

1. فی الحدیث : خیر ما ورّث الاباء لابنائهم الادب ... و حسن التّأدیب ان یکون من غیر عنف و ضرب بل بلطف و تأن . و فی حدیث : العلم لا یقبض اللّه العلم بعد ما بسطه و لکن یموت العالم فیذهب بما یعلم فتلیهم الجفاة فیضلّون و یضلّون ( این پاورقی مربوط به صفحه ٣٢٥ است ) ( مجمع البحرین ) ای اهورامزدا فرزندی به من عطا فرما که با تربیت و دانا بوده در هیئت اجتماعی داخل شده به وظیفۀ خود رفتار نماید فرزند رشید و محترمی که احتیاج دیگران را برآورد و فرزندی که بتواند در ترقّی و سعادت خانواده و شهر و مملکت خود بکوشد . ( آتش نیایش ٦٢ - ٥ )

   که تا هر کسی را که دارد پسر

   نماند که بالا کند بی‌هنر

   ( این پاورق مربوط به صفحه ٣٢٥ ) میباشد ( فردوسی ) [↑](#footnote-ref-1)